

Presenting a Model for Cultural Knowledge Based on the Context of Elementary School Teachers in Kerman Province

Mohammad Javad
Ebrahimabadi 

M.A. Student in Curriculum Development,
Faculty of Psychology and Education, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Accepted: 04/05/2025

Abstract

The purpose of this research is to present a model for cultural knowledge needed by primary school teachers in Kerman province. Qualitative research approach and grounded theory method were used. The field of research includes professors of Farhangian University of Kerman, primary teachers of the province. In this research, in order to obtain in-depth information, 13 knowledgeable people were interviewed. Data analysis was done in MAXQDA software and through open, central and selective coding steps. To measure the reliability of the designed pattern, the reliability index of stability was calculated, and this index was equal to 80%, and the reliability of the coding was confirmed. The research results resulted in 94 open codes among 282 concepts and 20 main categories of findings. The categories include knowledge of local literature, knowledge of local community, knowledge of local history and geography, knowledge of local business practices, knowledge of local arts, knowledge of local games and entertainment, knowledge of local food and its effect on mood and learning, knowledge handicrafts, indigenization of teachers, legal requirements, religion, customs, focused curriculum and large amount of content, modernization and indigenous culture, development of knowledge and skills of teachers in the field of indigenous curriculum design and implementation, allocation of in-service courses, teachers' skills In knowing and using the local dialect, it

Received: 14/02/2023

ISSN: 2476-5783

eISSN: 2476-5791

– Corresponding Author: javad13766mir@yahoo.com

How to Cite: Ebrahimabadi, M.J. (2024). Presenting a Model for Cultural Knowledge Based on the Context of Elementary School Teachers in Kerman Province, *Qualitative Research in Curriculum*, 5(16), 1-44. DOI: 10.22054/qric.2023.72628.362

serves to preserve and develop local culture, historical cultural identification, and the effectiveness of the teaching and learning process. Finally, the model of cultural knowledge of primary school teachers in Kerman province was extracted.

Keywords: Teachers' Knowledge, Cultural Knowledge, Indigenous Culture Knowledge, Education, Kerman Province.





ارائه الگوی دانش فرهنگی مبتنی بر بوم معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان

محمد جواد

ابراهیم آبادی * 

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی،

دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

هدف از انجام این تحقیق ارائه الگوی دانش فرهنگی مورد نیاز معلمان مقطع ابتدایی استان است. رویکرد پژوهش، کیفی و از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده شد. میدان پژوهش شامل اساتید دانشگاه فرهنگیان کرمان، معلمان ابتدایی و جامعه‌شناسی استان است. در این پژوهش به منظور دستیابی به اطلاعات عمیق، با ۱۳ نفر از افراد صاحب اطلاع مصاحبه بعمل آمد. تجزیه و تحلیل اطلاعات در نرم‌افزار MAXQDA و از طریق مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. برای سنجش پایایی الگوی طراحی شده از محاسبه پایایی شاخص ثبات استفاده شد که این شاخص برابر ۸۰ درصد شد و پایایی کدگذاری تأیید شد. نتایج تحقیق ۹۴ کد باز از میان ۲۸۲ مفهوم و ۲۰ مقوله اصلی از یافته‌ها منجر شد. مقوله‌ها شامل شناخت ادبیات بومی، شناخت جامعه محلی، شناخت تاریخ و جغرافیای محلی، شناخت شیوه‌های کسب و کار محلی، شناخت هنرهای بومی، شناخت بازی‌ها و سرگرمی‌های محلی، شناخت غذاهای بومی و تأثیر آن در مزاج، شناخت صنایع دستی، بومی‌گزینی معلمان، الزامات قانونی، مذهب، آداب و رسوم، برنامه درسی متمرکز و حجم زیاد محتوا، مدرنیزاسیون و فرهنگ بومی، توسعه دانش و مهارت معلمان در زمینه طراحی درسی بومی و اجرای آن، اختصاص دوره ضمن خدمت، مهارت معلمان در شناخت و استفاده از لهجه محل خدمت و استفاده از آن، حفظ و توسعه فرهنگ بومی، هویت‌یابی فرهنگی تاریخی و اثربخشی فرایند یاددهی-یادگیری است. در نهایت، الگوی دانش فرهنگی معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان استخراج شد.

کلیدواژه‌ها: دانش معلمان، دانش فرهنگی، دانش فرهنگ بومی، آموزش و پرورش، استان کرمان.

مقدمه

فرهنگ اغلب بر اساس ویژگی‌های قومی و بر حسب نژاد، جنسیت، زبان، توانمندی و طبقه اجتماعی - اقتصادی نیز قابل توصیف می‌باشد. به هر حال انسان‌ها، موجودات فرهنگی هستند که رفتار خود را منطبق با محیط اجتماعی - فرهنگی خود تنظیم می‌کنند.

دیدگاه‌های مختلف درباره فرهنگ و موقعیت آن وجود دارد که هر دیدگاه، الگوهای خاصی از آموزش و تربیت را عرضه می‌کند. بطور کلی، فرهنگ را می‌توان در دو نگاه کلی، طبقه‌بندی کرد. نگاه اول که نگاه کلاسیک است فرهنگ را مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، آداب و رسوم، احساسات و جهت‌گیری‌هایی می‌داند که بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه، مشترک می‌باشد. این نگاه بر اشتراکات و وحدت فرهنگی تمرکز دارد و درصدد ارائه الگوی فرهنگی غالب همسان برای تمامی اعضای جامعه است. در واقع، رویکرد سیاست‌گذاری در این نگاه، رویکرد مهندسی فرهنگی است که به گونه‌ای درصدد توسعه و ترویج یکنواخت الگوی یکنواخت از فرهنگ است (والیما و لیجوکی^۱، ۲۰۰۸). بر اساس این نگاه به فرهنگ، وظیفه نظام آموزشی توسعه و ترویج یک الگوی همسان و یکنواخت از فرهنگ در بین تمامی افراد و گروه‌های جامعه می‌باشد. بنابر این تعریف، این الگوچندان به تفاوت‌های قومی، فرهنگی، مذهبی، منطقه‌ای و جغرافیایی جامعه توجه نداشته و صرفاً درصدد توسعه و ترویج یک الگوی غالب و یکنواخت فرهنگی است (کرو^۲، ۲۰۰۵).

نگاه دوم، نگاه نوین به مسئله فرهنگ است که براساس آن، فرهنگ با گوناگونی‌ها و تفاوت‌ها، تعریف و تفسیر می‌شود. بیان‌کننده این باور است که اگر چه افراد و گروه‌هایی که متعلق به یک جامعه می‌باشند دارای اشتراکات فرهنگی خاصی هستند اما در کنار این اشتراکات از گوناگونی‌ها و تفاوت‌هایی نیز از نظر قومی، مذهبی، نژادی، جغرافیایی و تاریخی برخوردارند (والیما و لیجوکی، ۲۰۰۸). نادیده گرفتن تمامی این گوناگونی‌ها اثرات گران‌بایی را برای جامعه در بر دارد. بر اساس این نگاه در یک جامعه تمامی صداها

1 . Walima and Lee Jockey

2 . Karu

باید شنیده شده و شرایطی برای رشد و پیشرفت آن‌ها و همچنین همزیستی مسالمت‌آمیز آن‌ها فراهم شود. وظیفه نظام آموزشی نیز توجه و احترام به تمامی فرهنگ‌ها و کمک به توسعه و ترویج تمامی آن‌ها، دوشادوش فرهنگ رسمی مشترک است. فرهنگ از طریق آموزش صورت می‌گیرد. آموزش و فرهنگ ارتباط دوسویه با هم دارند. طبق نظر تمپل^۱ (۲۰۱۵)، آموزش فرآیندی است که افراد در یک فرهنگ خاص در جستجوی توانایی‌های شناختی، مهارت‌ها و نگرش‌هایی هستند که آن‌ها را قادر می‌سازد تا زندگی ارزشمندی در محیط اطراف خود داشته باشند.

برای آدرونکه^۲ (۲۰۱۵)، آموزش فرآیندی است که در آن دانش و ارزش‌های انباشته‌شده یک مردم خاص به شیوه عملی زندگی مردم مانند نگرش، آداب و رسوم، مذهب، تصور از زمان، سنت‌ها و باورهای آنها ترجمه می‌شود.

فرهنگ و آموزش ارتباط جدایی ناپذیری دارند. فرهنگ با ارائه ماهیت فرآیندهای خود همراه با محتوا، آموزش ایجاد می‌کند، لکن آموزش ارزش‌های فرهنگی را منتقل می‌کند. بنابراین، طبق نظر آدرونکه (۲۰۱۵)، بدون ادغام مناسب فرهنگ یادگیرنده، آموزش نمی‌تواند به طور مؤثر وظیفه خود را انجام دهد.

با توجه به نظر محققان، فرهنگ در عرصه یادگیری و آموزش و برنامه درسی جایگاه والایی دارد. بدین جهت می‌توان دانشی تحت عنوان دانش فرهنگی و بالتبع دانش فرهنگی مبتنی بر بوم معلمان مطرح کرد. هرچند در سند تحول بنیادین از فرهنگ به عنوان بستر تربیت یاد شده و به زمینه‌سازی برای تعامل فرهنگ بومی با دیگر فرهنگ‌ها توجه شده است اما معلمان دانش فرهنگی متناسب با بوم خود را ندارند.

توجه به رابطه بین برنامه درسی و فرهنگ موجب می‌شود تا برنامه‌های درسی، هر چه بیشتر به تجارب واقعی زندگی دانش‌آموزان نزدیک شود و زمینه را برای یادگیری و به تبع آن آموزش اثربخش فراهم کند (میلنر^۳، ۲۰۱۰). طبق نظر قادری (۱۳۹۵) برنامه‌های درسی موجود، ظرفیت‌های جوامع محلی، تاریخچه باورها، عقاید، آداب و رسوم و زبان را نادیده

1 . Temple
2 . Adronke
3 . Milner

می‌گیرند. همچنین دانش آموزان، باورها و سرمایه‌های فرهنگی دارند که با خود وارد محیط کلاس می‌کنند. آگاهی معلم از این دانش و سرمایه‌های فرهنگی موجب بهبود فرایند یادگیری می‌شود. براون و لیستروم^۱ (۲۰۲۰) معتقد است که برنامه‌های درسی برای دانش آموزان متنوع فرهنگی نامربوط است و علت آن این است که معلمان برای کسب دانش فرهنگی جهت اجرای برنامه درسی حرفه‌ای موفقیت زیادی نداشته‌اند. همچنین صادقی (۱۳۹۲) معتقد است که نظام تربیت معلم به عنوان یکی از زیرنظام‌های آموزش و پرورش هر کشور که وظیفه تربیت معلمان را برعهده دارد باید دانش فرهنگی متناسب با بوم معلمان را تأمین کند. همچنین معلمان باید برای یک طرح‌ریزی برنامه درسی پاسخگوی فرهنگی آماده باشند تا بتوانند محیط کلاسی را به گونه‌ای فراهم کنند که برای همه کودکان و خانواده‌هایشان خوشایند باشد. لذا، ضرورت کسب دانش فرهنگی توسط معلمان، بر اساس اسناد بالادستی موجه است. از جهت دیگر، دانش فرهنگی معلمان در برخی از پژوهش‌ها به صورت عام اشاره شده اما در یک منطقه خاص جغرافیایی واکاوی نشده است.

درباره فرهنگ تعاریف گوناگونی بیان شده و یکی از سه واژه پیچیده‌ای است که در یک زبان می‌تواند وجود داشته باشد (آشوری، ۱۳۸۶). با یک نگاه اجمالی، فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری افراد و عقیدتی اعضای یک جامعه ذکر کرد (کوئن^۲، ۱۳۸۵). یکی از تعریف‌های مهم فرهنگ را تایلر در قرن ۱۸ بیان کرده است. تعریف فرهنگ از نظر تایلر، مجموعه‌ای پیچیده است که اعتقادات و دانش و آداب و رسوم را می‌تواند شامل بشود (مهرمحمدی، ۱۳۹۱).

فرهنگ لایه‌های متفاوتی دارد. اولین لایه فرهنگ، باورها یا جهان‌بینی انسان است. باورها در بطن یک فرهنگ محسوب می‌شوند. این باورهاست که انسان را از حیوانات متمایز می‌کند (مطهری، ۱۳۷۴). دومین لایه فرهنگ، ارزش‌های عاری گرفته از جهان‌بینی است (رفیع پور، ۱۳۸۰). سومین لایه فرهنگ را هنجارها یا الگوهای رفتاری تشکیل

1 . Brown and Lystrom

2 . Cowen

می‌دهد. هنجارها شیوه‌های محقق ساختن ارزش‌های جامعه هستند (فصیحی، ۱۳۹۲).
۱. فرهنگ‌سرا با عملکرد خود از طریق آموزش، شناخت و نمایش، نقش مؤثری در احیا و پایداری فرهنگ جامعه دارد. فرهنگ‌سرا به عنوان عنصری که می‌تواند در حفظ هویت فرهنگی هر شهر و جامعه تأثیر به‌سزایی داشته باشد، این امکان را می‌دهد برخی خصایص فرهنگی جامعه میزبان را، که کمتر مورد توجه بوده، شناسایی و معرفی کنند. فرهنگ‌سرا و محیط‌های فرهنگی موجب تبادل ایده‌ها و نظرات، افزایش غرور، تقویت حس همبستگی و بالا رفتن سطح شناخت درباره هویت فرهنگ بومی آن ناحیه می‌شود (کریمیان و احمدوند، ۱۳۹۱).

لی شولمن^۱ انواع دانش معلمی را به هفت نوع تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: دانش موضوعی یا محتوایی، دانش محتوایی تربیتی یا پداگوژی محتوایی، دانش عمومی تربیت شامل راهبردها و اصول مدیریت کلاس درس و سازماندهی مناسب موضوع‌های درسی یا دانش پداگوژیکی، دانش برنامه درسی، دانش یادگیرنده، دانش درباره موقعیت تربیتی و زمینه‌های تاریخی و فلسفی (۱۹۸۷). از میان این طبقه‌های دانش، دانش محتوای تربیتی، یا همان پداگوژیکی یا محتوایی از اهمیت ویژه‌ای برای او و همکارانش برخوردار است (مهرمحمدی و فاضلی، ۱۳۹۴).

دیدگاه‌های ضد و نقیضی در خصوص این موضوع وجود دارد. دابو و همکاران در تحقیقی تحت عنوان نگرش معلمان و دانش‌آموزان را نسبت به گنجاندن فرهنگ انگلیسی در برنامه درسی EFL در دانشگاه ستیف در سال ۲۰۲۱ انجام دادند و تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که همه معلمان طرفدار ادغام فرهنگ هدف در EFL بودند. رونالد ام. هرماندز و همکاران در تحقیقی تحت عنوان بررسی نگرش مربیان و دانشجویان نسبت به اثربخشی داشتن دانش فرهنگی هدف بر یادگیری انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی در سال ۲۰۲۱ به این نتیجه رسیدند که هم معلمان و هم دانش‌آموزان پررو نسبت به داشتن دانش فرهنگی هدف برای یادگیری زبان انگلیسی نگرش مطلوبی دارند. یافته‌های پژوهش در متقاعدسازی معلمان جهت استفاده از مطالب فرهنگی در فرآیند تدریس خود

1. Lee Shulman

راهگشاست. زکی آرسال^۱ در تحقیقی تحت عنوان آموزش‌های چند فرهنگی انتقادی و نگرش‌های چند فرهنگی معلمان پیش دبستانی در سال ۲۰۱۹ به این نتیجه رسیدند که برنامه‌ریزان آموزش معلمان باید محتوا و مواد و فعالیت‌های چند فرهنگی را در کلاس‌های ضمن خدمت معلمان برای ترویج تغییر در نگرش‌های چند فرهنگی بگنجانند. شلدون^۲ در تحقیقی تحت عنوان بررسی عوامل تأثیر گذار بر هویت اجتماعی دانش آموزان در سال ۲۰۱۸ به این نتیجه دست یافتند که تأکید والدین و معلمان بر هویت ملی دانش آموزان در شکل‌گیری هویت ملی آنان تأثیر گذار است. کامیشا^۳ در تحقیقی تحت عنوان ادغام چند فرهنگی در آموزش و پرورش برای کلاس‌های ۲۰۲۰ در سال ۲۰۱۷ به این نتیجه رسید که معلمان باید با روش‌های آموزش چند فرهنگی و شناخت پیشینه‌های قومی آموزش داده شوند. لیدیا ماوورو^۴ و اومش رامناراین در تحقیقی تحت عنوان دانش دیدگاه معلمان در مورد استفاده از پیشینه فرهنگی- اجتماعی فراگیران در تدریس علوم طبیعی در کلاس‌های شهرستانی پایه نهم در سال ۲۰۱۷ به این نتیجه رسیدند که اولاً، معلمان از پیشینه اقتصادی- اجتماعی ضعیف فراگیران آگاه بودند و در عمل خود تطبیق می‌دادند تا این یادگیرندگان دچار آسیب نشوند. ثانیاً، مشخص شد که معلمان از دانش خود در مورد اعمال و باورهای فرهنگی- اجتماعی فراگیران برای ایجاد فرصت‌های یادگیری برای هماهنگ کردن تضاد بین جهان بینی یادگیرندگان و علم استفاده می‌کنند. در نهایت، یافته‌ها نشان داد که ادغام معلمان از پیشینه فرهنگی- اجتماعی فراگیران در درس، یادگیری واقعی را فراهم می‌کند. جیمز و وان^۵ در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه هویت اجتماعی و هویت فرهنگی سالمندان در سال ۲۰۱۷ به این نتیجه رسیدند که بین هویت اجتماعی و هویت فرهنگی سالمندان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و افرادی که هویت اجتماعی بالاتری داشتند از هویت فرهنگی بالاتری نیز برخوردارند و بالعکس. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی تحت عنوان طراحی الگوی کارآمدی

1. Zaki Aarsal

2. Sheldon

3. Kamisha

4. Lydia Mavuru and Omesh Ramnarain

5. James and Van

فرهنگی معلمان ابتدایی بر طبق پداگوژی برخوردار از ربط فرهنگی به این نتیجه رسیدند که کارآمدی فرهنگی معلمان دوره ابتدایی دارای ابعاد دانشی (شامل دانش پداگوژیکی و دانش از دانش آموزان)، نگرشی (شامل نگرش نسبت به گوناگونی فرهنگی، نگرش نسبت به ایجاد دانش، نگرش نسبت به پیشرفت و ارتقای دانش آموزان و نگرش نسبت به شناخت از دانش آموزان) و عملکردی (شامل تفکر، ساخت رابطه معنادار و اقدامات پداگوژیکی در جهت پیشرفت تحصیلی، پیشرفت عاطفی، صلاحیت فرهنگی و آگاهی سیاسی- اجتماعی دانش آموزان است). همه ابعاد اثرگذار بر یکدیگرند. عباسی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی تحت عنوان ارائه مدل پرورش هویت چندفرهنگی دانش آموزان ابتدایی بر اساس نظریه داده بنیاد به این نتیجه رسیدند که به ۹ بعد برای پرورش هویت چندفرهنگی باید توجه شود. ابعاد الگوها و روش های آموختن، ابعاد تربیت معلم، ابزار و لوازم آموزشی، شناخت زبانی- مذهبی، شناخت نظام اجتماعی، شایستگی های اجتماعی چندفرهنگی، ارزشیابی و مشارکت، محتوای شناختی- عاطفی فرهنگ، افزایش سواد چندفرهنگی، دانش تاریخ و حافظه تاریخی، جغرافیا فرهنگ، آموزش رسمی، تبیین باورها و ارزش های چندفرهنگی، برنامه ترکیه و تعلق چندفرهنگی. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان تبیین مفهوم بازده فرهنگی معلمان در مواجهه با بسترهای دارای گوناگونی فرهنگی انجام دادند. این پژوهش مشاهده ((پداگوژی برخوردار از ربط فرهنگی)) بیشترین تأکید را بر تأثیر نقش معلم در مواجهه با گوناگونی فرهنگی را نشان داد. همچنین این پداگوژی به طور ویژه بر بازتعریف عملکرد معلم تأکید می کند. حمیدی زاده و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان آموزش چندفرهنگی: تحلیل نظام مند ادراک معلمان به دنبال استنباط ادراک معلمان از آموزش چندفرهنگی بودند تا روایت آن ها را بررسی تحلیل کنند. این پژوهش نشان داد، برخلاف علاقه معلمان به آموزش چندفرهنگی؛ شناخت و دانش آن ها از آموزش چندفرهنگی ناقص و محدود است و چالش های بسیاری را برای این آموزش بیان می کنند. هواس بیگی و همکاران در تحقیقی تحت عنوان مفهوم پردازی فرایند آموزش چندفرهنگی از دید معلمان اقوام ایران در سال

۱۳۹۷ با نظریه داده‌بنیاد به بررسی معلمان شش قوم (بلوچ، ترکمن، آذری، عرب، کرد، ترک و لر) در دوره آموزش ابتدایی پرداختند. در این پژوهش مقوله‌ی هسته "بایستگی آموزش چندفرهنگی" نامیده شد که در مجموع پانصد و هفتاد و نه مفهوم؛ صد و سی و پنج زیر مقوله و بیست و شش مقوله استخراج شد. با مطالعه پیشینه‌های مرتبط با تحقیق حاضر، مشاهده می‌شود که مفهوم فرهنگ از جنبه‌های مختلفی در محیط‌ها و سازمان‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. هرچند پژوهش‌هایی با موضوع دانش فرهنگی معلمان انجام شده اما تاکنون پژوهشی درباره دانش فرهنگی خاص بوم معلمان استان کرمان صورت نگرفته است.

در این پژوهش منظور از دانش فرهنگی، مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، اطلاعات و شناخت درباره شیوه سبک زندگی و مؤلفه‌ها و ابعاد فرهنگی در استان کرمان است. محدوده مورد مطالعه، استان کرمان در جنوب شرقی فلات مرکزی کشور است که ۱۱ درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است و بزرگترین استان کشور به شمار می‌رود (گلاب‌زاده، ۱۳۹۰).

استان کرمان، از دیرباز به علت مهاجرت اقوام گوناگون، شاهد تنوع فرهنگی بسیاری بوده است که این تنوع خوراک، پوشاک، رسوم فرهنگی و فرهنگ زبانی را نیز شامل می‌شود. این تنوع فرهنگی در دو بخش شمال و جنوب استان کرمان قابل تفکیک است. جنوب استان کرمان به علت کوچ‌های متعدد ایل بلوچ و اقوام ساکن در استان هرمزگان شاهد تأثیرات بسیار از فرهنگ آنان بوده است (حسینی، ۱۳۸۹).

با توجه به ضرورت پژوهش در زمینه دانش فرهنگی یک بوم خاص بر اساس اسناد بالادستی، پژوهشگر در این پژوهش قصد دارد به این مورد پردازد که معلمان استان کرمان در مقطع ابتدایی به چه دانش فرهنگی نیاز دارند و این دانش فرهنگی چه خصوصیتی باید داشته باشد و چه چهارچوب و الگویی را می‌توان پیشنهاد داد؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی که با استفاده از روش گراندد تئوری یا داده‌بنیاد

(برپایه)^۱ است. این روش به دلیل مهیا کردن امکان تعامل عمیق و نزدیک با کنشگران انسانی از طریق ابزار مصاحبه، امکان تحقق الگو را فراهم می‌کند و پژوهشی بنیادی محسوب می‌شود. ایده اصلی این راهبرد، آن است که نظریه‌پردازی از داده‌های در دسترس ناشی نمی‌شود بلکه براساس داده‌های حاصل از مشارکت کنندگان که فرآیند مورد پژوهش را تجربه کرده‌اند، ایجاد یا مفهوم‌سازی می‌شود. بدین جهت، تجربه اساتید دانشگاه فرهنگیان و باهنر کرمان و معلمان جامعه‌شناسی و ابتدایی استان کرمان در مورد دانش فرهنگی مورد نیاز معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان بررسی و الگوی آن رسم شد. نظریه داده‌بنیاد به طور معمول به سه شیوه اجرا می‌شود: شیوه نوظخته، شیوه سازاگرا و شیوه سیستماتیک. در این تحقیق از روش سیستماتیک که توسط اشتراوس و کوربین معرفی شده است، برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. در این پژوهش از روش مصاحبه برای گردآوری داده‌ها به صورت نیمه ساختاریافته استفاده شد. برای انجام مصاحبه بر اساس پیشینه پژوهش پروتکل مصاحبه تنظیم شد که روایی سؤالات از نظر اساتید مورد تأیید قرار گرفت.

افراد صاحب اطلاع و شرکت کننده در پژوهش، اساتید آموزش ابتدایی و جامعه شناسی دانشگاه فرهنگیان کرمان، اساتید برنامه درسی دانشگاه باهنر کرمان و معلمان جامعه‌شناسی و ابتدایی استان کرمان بودند. انتخاب به صورت هدفمند انجام پذیرفت. مصاحبه‌ها به صورت حضوری و مجازی پس از هماهنگی‌های لازم به مدت ۴۰ تا ۸۰ دقیقه بود که بر اساس پروتکل مصاحبه، مراحل مصاحبه انجام پذیرفت. فایل مصاحبه‌های ضبط شده با دقت بالا به صورت فایل ورد درآمد و برای کدگذاری وارد نرم افزار مکس کیودی ای شد. پس از مصاحبه های اول و دوم که هدف بیشتر کسب مهارت در مصاحبه، برقراری ارتباط درست با شرکت کننده و تعیین روند مصاحبه‌های بعدی بود و سوالات بازنویسی شدند و مصاحبه‌ها ادامه پیدا کرد. مصاحبه‌ها به صورت انفرادی و نیمه ساختاریافته بود. پس از آن هر مصاحبه تبدیل به متن می‌شد و مرحله کدگذاری باز آن انجام می‌شد. در پژوهش حاضر از روش سه مرحله‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی

برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. پس از طی مراحل کدگذاری باز و محوری و نهایتاً مرحله آخر، کدگذاری انتخابی است. پژوهشگر در این گام نهایی، اقدام به الگوسازی از اطلاعات به دست آمده کرد. در این مرحله کدگذاری، مقوله‌ها با محوریت پدیده محوری که دانش فرهنگی معلمان بود، به صورت منطقی در کنار یکدیگر قرار گرفتند. برای سنجش پایایی الگوی طراحی شده از محاسبه پایایی بازآزمون داده بنیاد (شاخص ثبات) استفاده شد. از میان مصاحبه‌های انجام گرفته چند مصاحبه برای نمونه انتخاب شده و هر یک از آن‌ها در فاصله زمانی کوتاه و مشخص دوباره کدگذاری می‌شوند؛ سپس کدهای داده شده در هر دو فاصله زمانی برای هر یک از مصاحبه‌ها با هم مقایسه می‌شوند. روش محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام گرفته توسط محقق در دو فاصله زمانی به صورت رابطه ذیل است:

$$100\% \times \frac{2 \times \text{توافقات تعداد}}{\text{تعداد کل کدها}} = \text{آزمون پایایی درصد}$$

جدول ۱. محاسبه ی پایایی بازآزمون (شاخص ثبات)

ردیف	مصاحبه شونده	تعداد کل کدها	تعداد توافقی‌ها	تعداد عدم توافقی‌ها	پایایی بازآزمون
۱	A	۶۳	۲۴	۸	۷۶٪
۲	B	۵۵	۲۱	۵	۷۶٪
۳	C	۴۵	۱۸	۶	۸۰٪
	کل	۱۶۳	۶۶	۱۹	۸۰٪

همان‌گونه که در جدول ۲ قابل رؤیت می‌باشد، تعداد مجموع کدها، و در دو فاصله زمانی ۲۷ روزه، برابر ۱۶۳، تعداد تمام توافقات بین کدها، در این دو مجال، برابر ۶۰ و تعداد تمام عدم توافقی‌ها (توافقاتی که انتظار می‌رود تصادفی باشند) در این دو مجال برابر ۱۹ است. پایایی بازآزمون مصاحبه‌های این مطالعه با استفاده از روش فوق، برابر ۸۰ درصد است. با اعتنا به اینکه این میزان بیشتر از ۶۰ درصد است، می‌توان اظهار کرد پایایی کدگذاری این

ارائه الگوی دانش فرهنگی مبتنی بر بوم معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان: ابراهیم آبادی | ۱۳

مطالعه تأیید می‌گردد. نتایج مطالعه به ۹۴ کد باز از میان ۲۸۲ مفهوم و ۲۰ مقوله اصلی از یافته‌ها منجر شد. در نهایت از مقایسه مفاهیم استخراج شده از داده‌ها، الگوی دانش فرهنگی معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان استخراج شد.

یافته‌ها

بخش اول: آمار توصیفی

در این پژوهش، از آمار توصیفی برای ارائه اطلاعات جمعیت‌شناختی استفاده شد. اطلاعات جمعیت‌شناختی مورد بررسی شامل سن، تحصیلات، گروه‌های نمونه و جنسیت است که در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

شاخص	زیر شاخص	فراوانی
سن	۲۱-۴۰ سال	۷
	۴۱-۶۰ سال	۶
تحصیلات	کارشناسی	۱
	کارشناسی ارشد	۹
	دکتری	۳
گروه‌های نمونه	استاد دانشگاه	۵
	معلم	۸
جنسیت	مرد	۱۱
	زن	۲

بخش دوم: تحلیل داده‌های مصاحبه

گام اول: کدگذاری باز

در مرحله کدگذاری باز، ۹۴ کد باز از میان ۲۸۲ مفهوم شناسایی و استخراج شدند. در ادامه متن یکی از مصاحبه‌ها آورده شده است و نحوه کدگذاری باز آن، در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۳. کدگذاری اولیه مصاحبه صاحب اطلاع شماره ۱

ردیف	کدهای اولیه	شواهد گفتاری
۱	گردشگری بومی	معلم می‌تواند برای آشنا شدن دانش‌آموزان با فرهنگ محل زندگی خود، آن‌ها را به اردوهای کوتاه مدت برای بازدید از بناهای تاریخی مانند ارگ قدیم و ... ببرد.
۲	درآمد مردم مطابق با منابع طبیعی محل زندگی	تنوع شغلی در هر منطقه متناسب با منابع طبیعی همان مکان است. مثلاً کسانی که در روستا زندگی می‌کنند و به منابع آب طبیعی دسترسی دارند؛ شغل دامداری را انتخاب می‌کنند. وجود منبع طبیعی در هر منطقه باعث ایجاد مشاغل خاص همان ناحیه خواهد شد.
۳	ایجاد ذهنیت اشتغال در منطقه بومی	افرادی هستند که می‌گویند: کار نیست! اگر همین اشخاص به دنبال یادگیری مهارت‌های درآمدزا باشند، از بسیاری از مشاغل دیگر می‌توانند درآمد بیشتری داشته باشند، مثلاً قالی‌بافی مهارتی است که با یادگیری و بافت هر قالی، می‌توان به درآمد ۶۰ تا ۷۰ میلیونی رسید.
۴	آموزش فرهنگ بومی هر منطقه	هر منطقه، فرهنگ و گویش خاص خودش را دارد. وقتی معلمی برای آموزش به منطقه‌ای اعزام می‌شود، باید طی یک جلسه آموزش ضمن خدمت با فرهنگ و هنجارهای منطقه آشنا شود؛ این مسئله فقط برای ارتباط بهتر گرفتن با دانش‌آموزان نیست، بلکه گاهی ناآشنا بودن با فرهنگ مردم یک منطقه ممکن است باعث بروز اتفاقات غیرقابل جبران شود.
۵	ارزیابی فرهنگ بومی	در فرهنگ هر منطقه یک سری ارزش‌ها وجود دارد که طی سالیان توسط افراد ساکن در آن محیط محترم شمرده شده است. تصور کنید در منطقه‌ای درخت گُناَر از ارزش زیادی برخوردار است و مردم آن منطقه همیشه به این نوع از درخت احترام می‌گذاشتند، اگر معلم از این موضوع آگاهی نداشته باشد و به طور ناخواسته باعث بی‌احترامی به ارزش‌های یک منطقه شود، به نوعی، به جامعه آن منطقه بی‌احترامی کرده است و جبران این اشتباهات بسیار سخت است.
۶	حفظ و انتقال فرهنگ بومی	به عنوان یک معلم باید از دانش‌آموزان خود بخواهیم، رسومات فرهنگ محل زندگی خود را پاس بدارند و تا حد امکان مراسمات و جشن‌ها را برگزار کنند، زیرا، امروزه به دلیل تمرکز بیش از حد افراد به فضای مجازی باعث شده بسیاری از رسومات و آیین بومی از یاد برود.
۷	اصالت دادن به لباس محلی	در خودباختگی فرهنگی، اشخاص فرهنگ کشور خود را فراموش و از فرهنگ‌های دیگر تقلید می‌کنند. در پوشش اقوام نیز، این تغییرات را می‌توان دید. بهتر است معلم با لباس مخصوص هر منطقه در کلاس حاضر شود تا اصالت لباس محلی حفظ شده، باقی بماند.

ردیف	کدهای اولیه	شواهد گفتاری
۸	شناخت و احترام به لباس‌های بومی	هر منطقه بومی، پوشش مخصوص خودش را دارد. معلم نباید به بهانه رسمی بودن فضای آموزشی و مدرسه دانش‌آموزان را از پوشیدن لباس‌های محلی منع کند؛ بلکه باید در حفظ و ترویج فرهنگ منطقه، دانش‌آموزان را تشویق کند.
۹	احترام به خرده فرهنگ‌های متفاوت عروسی	در هر فرهنگ، خرده فرهنگ‌هایی وجود دارد. مثلاً خرده فرهنگ عروسی در بعضی مناطق تیراندازی است یا در برخی مناطق رسم دارند که عروسی سه چهار روز طول بکشد.
۱۰	احترام به خرده فرهنگ‌های عزاداری	در مراسم عزاداری‌ها، هر قوم رسومات خاص خودش را دارد. مثلاً در شهر بم، مردم در میدان امام تجمع می‌کنند، در روستاها با استفاده از چوب علم درست می‌کنند. احترام و حفظ خرده فرهنگ‌هایی که به عنوان رسم می‌شناسیم، بسیار اهمیت دارد.
۱۱	حفظ فرهنگ برپایی جشن در ابتدا و پایان برداشت محصولات کشاورزی	در مناطقی که کشاورزی رونق دارد، در ابتدا و پایان برداشت محصولات کشاورزی، معلم با دانش‌آموزان می‌تواند جشن ساده‌ای برگزار کنند. این جشن‌ها برای حفظ فرهنگ هر منطقه بسیار تاثیرگذار است.
۱۲	حصیر بافی	در مناطقی که نخلستان وجود دارد، مردم از برگ‌های نخل برای بافتن حصیر استفاده می‌کنند.
۱۳	فرش، قالی و گلیم بافی	فرش و قالی ایران در تمام دنیا شناخته شده است. مادر بزرگ‌های ما بدون داشتن سواد و تنها با کمک نشانه‌ها قالی بافی را انجام می‌دادند، خیلی خوب است که معلم، در کلاس درس نسل جدید را با قالی بافی آشنا کند.
۱۴	مهارت گفتاری و آشناسازی زبان بومی	در گویش هر منطقه، اصطلاحات و عباراتی است که مقصود فرد را از صحبت خود نشان می‌دهد، اینکه معلم با این عبارات آشنایی داشته باشد نه تنها باعث ارتباط‌گیری بهتر با دانش‌آموزان می‌شود، بلکه به یادگیری و فهم بیشتر آن‌ها منجر می‌شود.
۱۵	آشنایی معلم با لهجه‌ی شهرستانی که تدریس می‌کند.	معلمی که برای تدریس در یک منطقه جدید اعزام می‌شود، باید با لهجه و گویش مردم آن منطقه آشنا شود. این کار علاوه بر بهتر کردن رابطه با دانش‌آموزان، از بروز اتفاقات ناخوشایند نیز جلوگیری می‌کند.
۱۶	مهارت گفتاری و آشناسازی زبان بومی	تفاوت بودن لهجه معلم با دانش‌آموزان سرعت تدریس و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد. بهتر است برای هر منطقه بومی از معلم‌های همان منطقه کمک گرفته شود. زیرا، این تفاوت لهجه‌ها ممکن است باعث کج فهمی دو طرف شود.

ردیف	کدهای اولیه	شواهد گفتاری
۱۷	استخدام بومی معلمان	یکی از مهم‌ترین سیاست‌های آموزشی که در سطح کلان باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که، هر معلم در منطقه بومی خودش فعالیت آموزشی داشته باشد.
۱۸	شناخت ادبیات فولکلور و شفاهی	معلم باید با داستان‌ها و شعرهای بومی هر منطقه را برای ارتباط گیری بهتر و فن بیان رساتر فراگیرد.
۱۹	مشاهیر، قهرمانان ،شاعران و نویسندگان مشهور بومی	زندگی کردن بدون فرهنگ ممکن نیست. باید مشاهیر و قهرمانان هر منطقه بومی را به خوبی بشناسیم و در آموزش‌های خود از آن‌ها یاد کنیم.
۲۰	فرهنگ زیسته بومی	مسئله‌ای که در مناطق بومی وجود دارد این است که والدین از فرزندان به جای نیروی کار استفاده می‌کنند، دانش‌آموزی که همه انرژی و توانش را صرف کمک به خانواده می‌کند، به سختی به درس و مدرسه می‌تواند رسیدگی کند.
۲۱	آموزش خرده فرهنگ‌های هر منطقه به معلم	در هنگام تدریس خرده فرهنگ‌ها ممکن است واقعیت با آنچه معلم آگاهی دارد، تفاوت‌هایی داشته باشد، پس بهتر است قبل از تدریس، خرده فرهنگ‌ها به معلم آموزش داده شوند.
۲۲	تنوع زیاد لهجه و گویش در شهرهای مختلف استان	به مساحت کشور، تنوع گویش و لهجه وجود دارد. یک کلمه یا عبارت در هر منطقه بومی متفاوت ادا می‌شود.
۲۳	تسلط معلم بر هنرهای بومی و شناخت آن‌ها	معلم باید از هنرهای منطقه بومی آگاهی داشته باشد. هنرهای مانند قالی بافی و حصیر بافی مربوط به مناطق بومی هستند و معلم می‌تواند دانش‌آموزان را در پاسخ به شکایت و نبود کار، به آن‌ها دعوت کند.
۲۴	ارتباط تاریخ ملی با تاریخ بومی	دانش تاریخی معلم برای آموزش دادن به دانش‌آموزان بسیار بااهمیت است. معلم باید بتواند میان تاریخ ملی و اثرگذاری‌های تاریخ بومی در زمان‌های مختلف ارتباط برقرار کند.
۲۵	آشنایی با آثار و بناهای تاریخی بومی	برای اینکه دچار خودباختگی فرهنگی نشویم، باید از بناهای تاریخی، به خصوص بناهای خشتی بازدید کنیم. دانش تاریخی کافی از مهم‌ترین راه‌های حفظ فرهنگ است.
۲۶	شناخت بازی‌ها و تفریحات محلی	حفظ بازی‌های قدیمی برای انتقال درست فرهنگ دارای اهمیت فراوان است. بازی‌های هم چون هفت سنگ، چوب کلک و ...
۲۷	شناخت انواع	از راه‌های حفظ فرهنگ بومی، برپایی جشن‌های قدیمی است که متأسفانه در

ردیف	کدهای اولیه	شواهد گفتاری
	جشن های بومی	شرایط کنونی فراموش شده، اما معلم می تواند با پذیرایی ساده، این رسومات را بین مردم نگه دارد.
۲۸	شناخت مذہب های مختلف و ایجاد هم زیستی مسالمت آمیز	شناخت مذہب های مختلف استان و ایجاد هم زیستی مسالمت آمیز در هر منطقه یک دین و مذہب خاص بر جامعه غالب است، اما معلم باید توجه داشته باشد که ممکن است، مذاهب و ادیان دیگر هم در بین دانش آموزان حضور داشته باشند. پس مباحث دینی را باید به گونه ای بیان کند که باعث سوء برداشت و جبهه گیری کسی نشود.
۲۹	اسناد بالادستی	در اسناد بالادست، مسئله رعایت لهجه در تدریس مناطق بومی دیده نشده است، اما در عمل خیلی خوب می شود که معلم ها متناسب با لهجه منطقه بومی صحبت کنند.
۳۰	استفاده از نمونه های بومی در تدریس	وقتی معلم از خرده فرهنگ های رایج در یک منطقه آگاهی داشته باشد؛ دانش آموزان بیشتر با کلاس درس درگیر می شوند و نتیجه بهتری می گیرند.
۳۱	آوردن بازی های محلی در جهت بومی کردن تالیف کتاب	برای نگهداری از فرهنگ های بومی، نیازی به هزینه های بسیار زیاد نیست و گاهی با پاس داشتن یک جشن یا رسم، می شود قدم بزرگی در انتقال فرهنگ برداشت.

گام دوم: کدگذاری محوری

در مرحله بعد، کدهای باز تبدیل به یک مقوله می شود. در نهایت ۲۸۲ کد مفهومی تبدیل به ۹۴ کد باز و کدهای باز در قالب ۲۰ مقوله سازماندهی شد.

در جدول ۵ نتایج کدگذاری محوری بر اساس کدهای مفهومی و کدهای باز آورده شده است.

جدول ۵. نتایج کدگذاری محوری براساس کدهای مفهومی و کدگذاری باز

تکرار	کدهای باز	مقوله
۱	کسب و کارهای خانگی	شناخت کسب و کارهای بومی
۴	گردشگری بومی	
۲	قنات و مغنی	
۲	صنعت و معدن	
۲	صنایع خودروسازی	

تکرار	کدهای باز	مقوله
۱	کشاورزی	ایجاد ذهنیت بهره‌وری از ظرفیت محیط جهت ایجاد درآمد متناسب با بوم
۱۱	ایجاد ذهنیت بهره‌وری از ظرفیت محیط جهت ایجاد درآمد متناسب با بوم	
۳	درآمد مردم برگرفته از بوم هر منطقه	
۱۰	ایجاد ذهنیت اشتغال با مشاغل بومی	
۱	غربالگری ارزشهای فرهنگی هر بوم	
۳	شناخت ارزشهای فرهنگی هر بوم	حفظ و توسعه فرهنگ بومی
۲	شناخت کژتابیهای فرهنگی بومی و تلاش برای اصلاح آن	
۱	استفاده از داده‌های برآمده از سنت در جهت هویت بخشی به دانش آموز	
۱	آموزش فرهنگ بومی هر منطقه	
۱	استفاده از لباس بومی و محلی به عنوان فرم مدرسه	
۴	گردشگری بومی	
۳	ارزیابی فرهنگ بومی	
۳	حفظ و انتقال فرهنگ بومی	
۶	اصالت دادن به لباس محلی	
۷	شناخت لباسهای بومی احترام به آن و تشویق آن	
۱	احترام به خرده فرهنگهای متفاوت عروسی و حفظ آن	
۱	احترام به خرده فرهنگهای متفاوت عزاداری محرم و حفظ آن	
۱	حفظ فرهنگ برپایی جشن در ابتدا و پایان برداشت محصولات کشاورزی	
۱	زین دوزی	شناخت صنایع دستی
۱	موسیقی نواحی	
۳	پته دوزی	
۱	فیروزه کاری	
۱	قلم زنی	
۱	سبدهافی	
۱	کپرسازی	
۱	چاقوسازی	
۱	اسلحه سازی	

تکرار	کدهای باز	مقوله
۱	خاتم کاری	
۱	مس کاری	
۳	حصیر بافی	
۹	فرش، قالی و گلیم بافی	
۲	لزوم آموزش لهجه منطقه ای که معلم در آن تدریس میکند	مهارت معلمان در شناخت و استفاده از لهجه محل خدمت در تدریس و ارتباط با دانشآموز
۱	احترام به لهجه‌های مختلف و تشویق به استفاده از آن و جلوگیری از	
۱	اختصاص بخشی از محتوای کتاب درسی به تدریس با گویش محلی	
۴	استفاده از لهجه دانشآموزان در تدریس	
۶	شناخت تنوع لهجه‌ها در استان	
۲	مهارت گفتاری و آواشناسی زبان بومی	
۲	انتقال دانش با زبان محیط متناسب با بوم دانشآموزان	
۳	آموزش لهجه‌های مختص هر شهرستان به معلمان بومی آنجا	
۲	مهارت گفتاری و آواشناسی زبان بومی	
۱۱	موفقتر بودن افراد بومی در تدریس به دلیل شناخت فرهنگ و بوم منطقه	بومی‌گزینی معلمان
۹	استخدام بومی معلمان	
۲	ادبیات فولکلور و شفاهی	شناخت ادبیات بومی
۱۳	مشاهیر و قهرمانان و شاعران و نویسندگان مشهور بومی	
۱	آشنایی با بافت و زمینه جامعه	شناخت جامعه محلی
۵	استفاده از گویش و اصطلاحات محلی در تدریس	
۳	فرهنگ زیسته بومی	
۱	آموزش خرده فرهنگ‌های هر منطقه به معلم	
۴	تنوع زیاد گویش در شهرهای مختلف استان	
۱	آموزش نقد هنری	شناخت هنرهای بومی
۱	آموزش درک هنری و خلق هنری	
۱	آموزش زندگی هنری به دانش‌آموزان	
۱۱	لزوم تسلط معلم بر هنرهای بومی و شناخت آنها	
۱	ارتباط تاریخ ملی با تاریخ بومی	
۱۲	آشنایی با آثار و بناهای تاریخی بومی و حوادث تاریخی	شناخت تاریخ و جغرافیای محلی
۱۲	شناخت بازیها و تفریحات محلی	شناخت بازی و سرگرمی‌های محلی
۱	شناخت انواع جشنهای بومی	شناخت انواع جشنهای بومی

تکرار	کدهای باز	مقوله
۱	نمادسازی و هویت‌سازی	هویت یابی فرهنگی تاریخی
۱۱	تقویت حس وطنپرستی و یکپارچگی ملی	
۱	قبول تکثر فرهنگی و هم زیستی مذاهب و اقوام	مذهب
۱۱	شناخت مذاهب مختلف استان و ایجاد هم زیستی مسالمت‌آمیز	
۱	طراحی بومی بخشی از محتوای کتب درسی	الزامات قانونی
۹	اسناد بالادستی	
۱	استفاده از ظرفیت حیات مدرسه در جهت رفع سوتعذیه دانش آموزان عشایر	دانش و مهارت معلمان در طراحی درسی بومی و اجرای آن
۱	آوردن بازیهای محلی در جهت بومی کردن تالیف کتب درسی	
۱	بومی گزینی محتوا	
۲	تهیه محتوای محلی برنامه درسی	
۱	شناخت قهرمانان بوم هر منطقه جهت برنامه درسی رسمی و پنهان	
۱	تسلط معلم بر دانش اجتماعی	
۳	اثربخش کردن فرایند یاددهی - یادگیری با گردش علمی	
۳	غنیمت‌سازی محیط کلاس با مثالهای بومی و محلی	
۱	آگاهی معلم از زبان دوم دانش آموزان دوزبانه	
۴	استفاده از نمونههای بومی - محلی در تدریس	
۱	تأثیر غذا در مزاج	شناخت غذاهای بومی و تأثیر آن در مزاج
۵	شناخت انواع غذاهای بومی	
۲	تنوع شیرینیجات در استان	
۳	اثربخش کردن فرایند یاددهی - یادگیری با گردش علمی	اثربخش کردن فرایند یاددهی - یادگیری با گردش علمی
۲	اختصاص دوره ضمن خدمت یا کلاس آموزشی مؤلفههای بومی محلی	اختصاص دوره ضمن خدمت یا کلاس آموزشی مؤلفههای بومی محلی
۴	آداب و رسوم	آداب و رسوم
۱	عدم وجود تعامل بین مدرسه و جامعه	برنامه درسی متمرکز و حجم زیاد محتوا
۱	عدم تنظیم برنامه درسی متناسب با زیست بوم	
۲	نبود برنامه درسی محلی	
۲	برنامه درسی متمرکز	

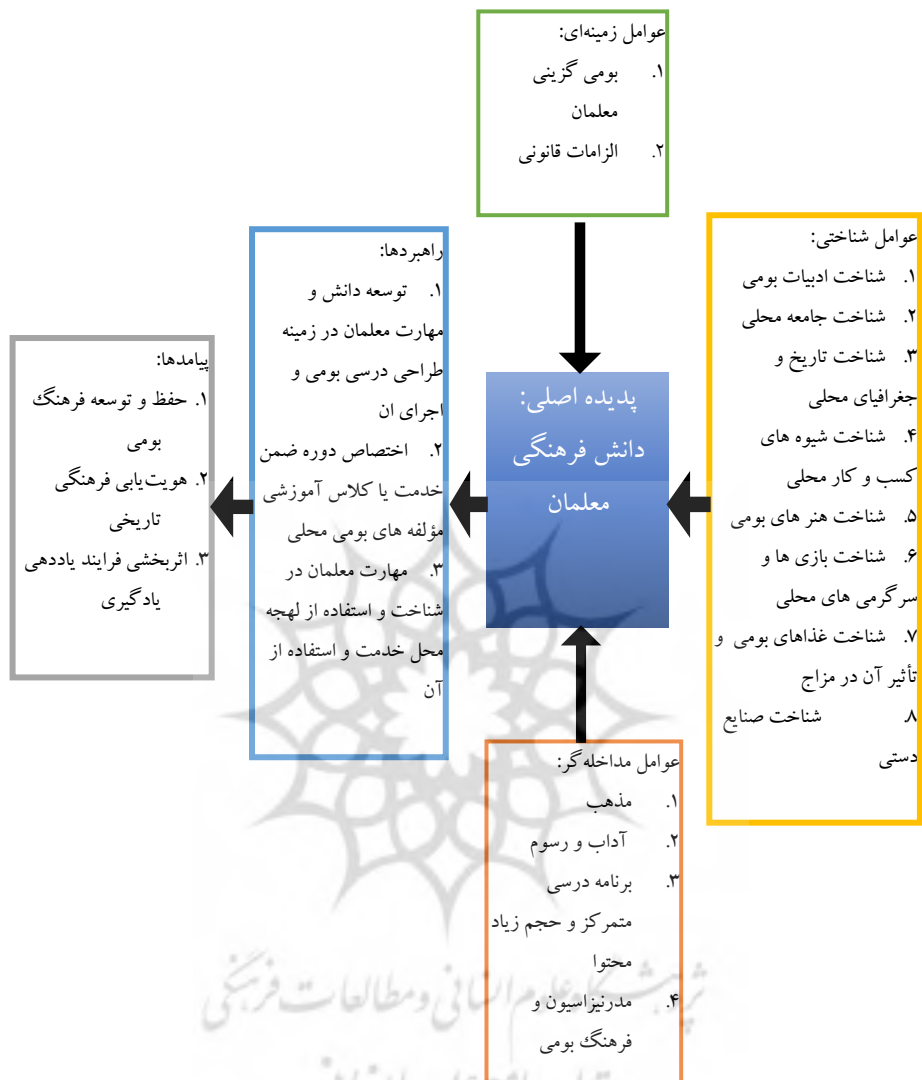
تکرار	کدهای باز	مقوله
۱	حجم زیاد کتب درسی	
۷	مدرنیزاسیون و آموزش و پرورش	مدرنیزاسیون و آموزش و پرورش
۲	یادگیری اثربخش	اثربخشی فرایند یاددهی یادگیری
۱	تسهیل فرایند آموزش	
۱	تقویت رابطه بین معلم و دانشآموز	
۱	شناخت بهتر دانشآموزان	

گام سوم: کدگذاری انتخابی

بر اساس نظریه استراوس و کوربین (۲۰۰۸)، از مدل پارادایمی استفاده شده است. در مرحله کدگذاری گزینشی و در توضیح و بیان منطقی مقوله‌ها، با استفاده از خط داستان، مقوله‌های عمده با ارجاع به یادداشت‌ها، خلاصه‌ها و استناد به نقل قول‌های افراد مورد مطالعه به تفصیل و جزء به جزء توضیح داده شد و با ارائه ماتریس وضعیت پژوهش به پایان رسید.

الگو مفهومی دانش فرهنگی مورد نیاز معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان در شکل زیر نشان داده شده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



عوامل شناختی:

۱. شناخت ادبیات بومی
۲. شناخت جامعه محلی
۳. شناخت تاریخ و جغرافیای محلی
۴. شناخت شیوه‌های کسب و کار محلی

۵. شناخت هنرهای بومی
۶. شناخت بازی ها و سرگرمی های محلی
۷. شناخت غذاهای بومی و تاثیر آن در مزاج
۸. شناخت صنایع دستی

عوامل زمینه‌ای:

۱. بومی گزینی معلمان
۲. الزامات قانونی

عوامل مداخله‌گر:

۱. مذهب
۲. آداب و رسوم
۳. برنامه درسی متمرکز و حجم زیاد محتوا
۴. مدرنیزاسیون و فرهنگ بومی

راهنماها:

۱. توسعه دانش و مهارت معلمان در زمینه طراحی درسی بومی و اجرای آن
۲. اختصاص دوره ضمن خدمت یا کلاس آموزشی مؤلفه های بومی محلی
۳. مهارت معلمان در شناخت و استفاده از لهجه محل خدمت و استفاده از آن

پیامدها:

۱. حفظ و توسعه فرهنگ بومی
۲. هویت یابی فرهنگی تاریخی
۳. اثربخشی فرایند یاددهی یادگیری

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق ارائه الگوی دانش فرهنگی معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان بر پایه شناسایی مؤلفه‌های دانش فرهنگی مورد نیاز این معلمان از طریق مصاحبه با خبره در این حوزه اعم از اساتید دانشگاه فرهنگیان کرمان، معلمان جامعه‌شناسی و ابتدایی استان مورد نظر بوده است. میدان پژوهش در تحقیق حاضر ۱۳ نفر از اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه فرهنگیان کرمان، اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه باهنر کرمان، اساتید دانشگاه رشته آموزش ابتدایی و هنر دانشگاه فرهنگیان کرمان، دبیران جامعه‌شناسی آموزش و پرورش استان کرمان و متخصصان برنامه‌ریزی درسی استان کرمان بوده است. از میان ۱۳ شخص مورد مصاحبه ۱۱ نفر مرد و دو نفر زن بودند و همچنین رشته‌های تحصیلی آنان در سه حوزه آموزش ابتدایی و جامعه‌شناسی و هنر بوده است. در این تحقیق در روش داده‌بنیاد از ۱۳ نفر افراد خبره و صاحب اطلاع از اساتید دانشگاه و معلمان ابتدایی و متخصصان برنامه‌ریزی درسی استان کرمان بهره بردیم. در این تحقیق روایی مفهوم‌سازی و کدگذاری توسط سه نفر از متخصصان دانشگاهی حوزه داده‌بنیاد مورد تأیید قرار گرفت. برای مصاحبه پایایی باز آزمون، از میان مصاحبه‌های انجام گرفته ۳ مصاحبه برای نمونه انتخاب شده و هر کدام از مصاحبه‌ها طی زمانی تعیین شده و کوتاه دوباره مرحله کدگذاری برای آن‌ها انجام می‌شود و سپس با یکدیگر مقایسه شدند. همان طور که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود. پایایی باز آزمون برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این تحقیق ۸۳ درصد به دست آمد. با توجه به اینکه پایایی به دست آمده بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری به مرحله تأیید رسید. برای تعیین روایی پرسشنامه نیز از ۳ نفر از اساتید دانشگاهی بهره گرفته شد. با توجه به داده‌های گردآوری شده، تجزیه و تحلیل از طریق مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. در این پژوهش، کدگذاری در ۳ مرحله شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی انجام شد. در مرحله کدگذاری باز؛ محقق مصاحبه را خوانده و در فرایند خرد کردن، مقایسه کردن، بررسی، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی شروع به کار کرد. در این مرحله سعی گردید داده‌ها در قالب

مفاهیم در بیاید. مرحله بعدی کدگذاری محوری بود. در این نوع کدگذاری مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری باز شناسایی شده‌اند، در تجزیه و ترکیبی جدید به یکدیگر مرتبط شدند. نهایتاً مرحله آخر، کدگذاری انتخابی است. پژوهشگر در این گام نهایی اقدام به الگوسازی از اطلاعات به دست آمده کرد. در این نوع کدگذاری، مقوله‌ها با محوریت پدیده هسته‌ای که دانش فرهنگی معلمان بود، به صورت منطقی در کنار یکدیگر قرار گرفتند. در نهایت از مقایسه مفاهیم استخراج شده از داده‌ها، الگوی دانش فرهنگی معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان استخراج شد.

این ایده که معلمان تأثیرگذارترین عوامل تغییر آموزشی و نتایج یادگیری دانش‌آموزان هستند بحث‌برانگیز نیست. دانش معلم و توانمندی ایشان جهت استفاده از دانش خود در تدریس و محتوای برنامه درسی در دستیابی به تغییر برنامه درسی، جهت موفقیت دانش‌آموزان در زمینه تحصیلی مهم است. مطالعات نشان می‌دهد که آموزش و یادگیری علم در مدرسه موفقیت‌آمیز نیست، زیرا این موضوع با تجربیات زندگی روزمره دانش‌آموزان که با خود به مدرسه می‌آورند و مرتبط با فرهنگ بومی ایشان می‌باشد مرتبط نیست. همچنین محتوای برنامه درسی که مدارس آموزش داده می‌شود، توجهی به فرهنگ بومی ندارد و دانش‌آموزان را از فرهنگ خود تا حدی دور می‌کند. تدریس دروس در مدرسه توسط معلم باید با توجه به مؤلفه‌های دانش فرهنگی بومی ایشان باشد. دانش مدرسه را نمی‌توان از دانش فرهنگی کسانی که چیزی را که دانش علمی را تعریف می‌کنند جدا کرد. برنامه درسی طراحی شده، توجهی به دانش فرهنگی مردم بومی ندارد و آن نادیده می‌گیرد در حالی که در اسناد بالادستی به این موضوع توجه شده است. آماده‌سازی معلمان برای مواجهه و برخورد با انواع فرهنگ‌ها در محلی که باید تدریس کند، موضوعی است که آموزش و پرورش باید به آن اهتمام ویژه داشته باشد. توجه به این موضوع باعث می‌شود معلمان بتوانند در محیط‌های متنوع فرهنگی عملکرد موفقیت‌آمیزی در راستای وظیفه خطیر خود داشته باشند. معلمان را باید قبل از فرستادن به محیط‌های مردم آن به لحاظ فرهنگی دارای تنوع هستند آموزش داد (کومار وادیولو^۱، ۲۰۱۲). یکی از اقسام

دانش ضروری معلم، دانش فرهنگی به طور عام و دانش فرهنگ بومی به طور خاص است. ما در این تحقیق برای رسیدن به الگوی دانش فرهنگی معلمان ابتدایی استان کرمان یک سؤال اصلی و سؤالاتی فرعی ترسیم نمودیم.

مقوله محوری:

پدیده مرکزی مفهومی است که عامل قرار گرفتن بقیه عوامل در کنار یکدیگر است. در واقع مقوله محوری شکل ذهنی یک پدیده است که اساس فرآیند است. در پژوهش حاضر با توجه به هدف و مؤلفه‌های شناسایی شده، دانش فرهنگی معلمان به عنوان مقوله اصلی و محوری در نظر گرفته شد و بقیه مقوله‌ها در ارتباط با این پدیده مرکزی جایابی شدند.

عوامل شناختی:

مقصود از عوامل شناختی، رخدادها یا عواملی هستند که موجب پدید آمدن یا محقق شدن این پدیده محوری یا مقوله محوری می‌گردد. در واقع این شرایط دسته‌ای از علت‌هاست که نقش مهمی در دستیابی به هدف شناسایی الگوی دانش فرهنگی معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان دارند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌کنید، بعد از بررسی به ۸ عامل شناختی شناخت ادبیات بومی، شناخت جامعه محلی، شناخت تاریخ و جغرافیای محلی، شناخت شیوه‌های کسب و کار محلی، شناخت هنرهای بومی، شناخت بازی‌ها و سرگرمی‌های محلی، شناخت غذاهای بومی و تأثیر آن در مزاج و یادگیری، شناخت صنایع دستی دست یافتیم.

شناخت ادبیات بومی: ادبیات عامه در استان کرمان، بازتاب دهنده بخش مهمی از فرهنگ غنی و متنوع است؛ فرهنگی که در تاریخ پرتلاطم اندیشه و آداب و رسوم قبایل، اقوام و نژادهای مختلف و بومیان قدیم این ناحیه ریشه دارد. کرمان گنجینه‌ای است از فرهنگ شفاهی که غنای آن را در کم‌تر جایی می‌توان دید. زیرا هیچ زمان مورد تهاجم اقوام بیگانه و غیر ایرانی قرار نگرفته است. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه

شاخص این مقوله شناخت مشاهیر و قهرمانان و شاعران و نویسندگان مشهور بومی است. از نظر فرد یکی از افراد صاحب اطلاع، مشاهیر و بزرگان، عینی ترین نمونه‌های از آدم‌های سخت‌کوشی‌اند که در بوم یک استان یا شهرستان رشد و پرورش یافته‌اند. ما معمولاً دانش آموزها را با یک سری مفاهیم آموزش می‌دهیم مانند مفهوم صبر، پشتکار. مدرسه مکانی است برای اینکه این‌ها تجربه زندگی آینده را داشته باشند. ما برای اینکه مصداق واضح این مفاهیم را بتوانیم برای دانش‌آموزان شرح بدهیم، یکی از مؤثرترین راه‌هایش بیان زندگی بزرگان و مشاهیری است که در همین بوم با همین اقتضائات زندگی کرده‌اند و می‌توانند به عنوان بهترین مثال‌ها مورد استفاده قرار بگیرند و در تدریس معرفی شوند.

شناخت جامعه محلی: هر جامعه محلی بخشی از جامعه ملی است. جامعه محلی به مجموعه‌ای از مردم گفته می‌شود که در مکانی زندگی می‌کنند و دارای ویژگی‌های مشترک با احساس تعلق و همبستگی با یکدیگر برای رسیدن به منافع مشترک هستند. ویژگی‌های مشترک می‌تواند شامل ارزش‌ها، سنت‌ها، هویت، ارتباطات، احساس تعلق به محل زندگی و حتی الگوهای رفتاری خاص باشد. یک جامعه محلی دارای یک منطقه جغرافیایی خاص است، گاهی افراد در آن منطقه جغرافیایی یکدیگر را می‌شناسند، کم و بیش نیازهای مشترک دارند و از منابع یکسانی استفاده می‌کنند (شریف‌زاده، ۱۳۸۰). تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه شاخص این مقوله فرهنگ زیسته بومی است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع یک تجربه زیسته از عدم شناخت منطقه و استفاده از ظرفیت دانش‌آموزان در امر تدریس بیان کردند.

شناخت تاریخ و جغرافیای محلی: هرودوت دانشمند یونانی (۴۲۵-۴۸۴ ق م) در قرن پنجم قبل از میلاد به وجود رابطه بین تاریخ و جغرافیا پی برد. کانت فیلسوف آلمانی (۱۷۲۴-۱۸۰۴) به مناسبات میان محیط طبیعی و تاریخ گذشته انسان‌ها عنایت نشان داد و بر ضرورت توجه به زمان، تاریخ و درک تفسیر پدیده‌های مورد مطالعه تأکید داشت. از نظر کانت، تاریخ، مطالعه پدیده‌هایی را بر عهده دارد که از نظر زمانی در پشت یکدیگر واقع

می‌شوند (دانش زمانی)، در حالی که جغرافیا به مطالعه پدیده‌هایی می‌پردازد که متعلق به یک فضا هستند (دانش ارتباطات فضایی). تاریخ و جغرافیا هر دو علمی اساسی و بنیادی هستند و در کنار علوم سیستماتیک قرار دارند و بدون آن‌ها بشر نمی‌تواند به درک کاملی از جهان دست یابد. او در میان علوم به جغرافیا مرکزیت علمی داد (شکویی، ۱۳۷۵: ۷۱؛ جنسن، ۱۳۷۶: ۳۱). مؤلفه شاخص این مقوله آشنایی با آثار و بناهای تاریخی بومی و حوادث تاریخی است. یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که معلمان حوادث مهمی که در تاریخ کرمان افتاده را خیلی واقف نیستند. بخاطر همین است که تأثیر منفی گذاشته است. معلمی که نتواند درباره رویدادهایی که در تاریخ استان افتاده، برای بچه‌ها صحبت کند یا آدمی که نتواند اطرافش را بشناسد چطوری می‌تواند بیرونش را بشناسد؟ متأسفانه معلم‌ها بناهای تاریخی را نمی‌شناسند و به آن واقف نیستند. همچنین یکی دیگر از افراد صاحب اطلاع معتقد است که اگر معلم آثار و بناهای تاریخی رو بشناسد و در مورد گذشته استان خودش اطلاعاتی داشته باشد، قطعاً روند یادگیری را تسهیل خواهد کرد.

شناخت شیوه‌های کسب و کار محلی: شرایط محیطی بر نوع زندگی و کسب و کار مردم یک محیط تأثیر مستقیم دارد. بنابراین آشنایی با کسب‌وکارهای یک منطقه و ترویج و انتقال آن به نسل‌های آینده می‌تواند آن کسب‌وکارها را حفظ کند. استان کرمان به دلیل شرایط آب و هوایی خاص و ظرفیت‌های طبیعی منطقه، باعث رونق کسب و کارهای بومی شده است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله ایجاد ذهنیت بهره‌وری از ظرفیت محیط جهت ایجاد درآمد متناسب با بوم است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که همه دانش‌آموزان ما دارند به یک شکل به رشته‌های تجربی، ادبیات، ریاضی می‌روند و می‌خواهند دکتر، مهندس وکیل شوند و اصلاً توجهی به این مشاغل بومی نمی‌شود. دکتر یا مهندس در کل کشورها هست اما کسی که بتواند قالی کرمان ببافد و هنر خاصی را که خاص یک منطقه هست را انجام دهد و تجربه‌اش کند، شاید فقط همان منطقه بتواند آموزش ببیند و کار را ایجاد کند اما در کمال تأسف دارد فراموش می‌شود.

شناخت هنر های بومی: هنر بومی یا محلی آثاری است که شکل خاص خود را در حیات اجتماعی یک ملت حفظ کرده و از چهار چوب آن اجتماع کوچک خارج نشده و تنها بازگوکننده خصوصیات فکری گذشته و حال حیات این جامعه است. همچنین هنرهای بومی اصطلاحاً هنرهای عامیانه هم می گویند. هنرهایی که از دل مردم بیرون آمده اند (فیلی، پریسا، ۱۳۹۵، طراحی پردیس هنرهای بومی در استان فارس با رویکرد پایداری محیطی در شیراز، پایان نامه ارشد، دانشگاه تهران). دانش آموزی که هر روز در بستر بوم خودش زندگی کرده است و پا از آن بیرون نگذاشته، قطعاً آشنایی زیادی با این هنرها دارد. این هنرها از یک سو جنبه زیبایی شناسانه دارند و از سوی دیگر جنبه کاربردی دارند و برای تأمین مالی مردم استفاده می شود. هنر بومی کرمان هم جنبه زیبایی شناسانه دارد و هم جنبه کاربردی. تحلیل مصاحبه ها نشان دارد که مؤلفه های شاخص این مقوله لزوم تسلط معلم بر هنرهای بومی و شناخت آن ها است. یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که استفاده معلم از هنرهای دستی در تدریس باعث افزایش خلاقیت دانش آموز می شود کما اینکه می تواند منبع درآمد برای او و خانواده اش هم باشد و آموزش دیدن این هنرها مانع فراموشی آن نیز می شود.

شناخت بازی ها و سرگرمی های محلی: بازی ها عموماً بار فرهنگی دارند. بازی های بومی، عشایری، محلی و سنتی ایرانی علاوه بر بار فرهنگی، از جذابیت و تنوع بالایی نیز برخوردار است. با توجه به گستردگی اقلیم، قومیت و قبیله در ایران، انواع بازی ها با اهداف خاصی طراحی شده و در بین مردم رایج بوده است. بازی های بومی، تا برهه ای از تاریخ که مردم ابزار سرگرمی نداشتند رونق داشته و مردم برای تفریح از این بازی ها استفاده می کردند و به طور خاص تا دهه ۴۰-۵۰ که تلویزیون وارد صحنه زندگی مردم شد و بخشی از سرگرمی مردم را درست کرد وجود داشتند. اما به مرور استفاده از این بازی کم رنگ تر شد. تحلیل مصاحبه ها نشان داد که مؤلفه های شاخص این مقوله شناخت بازی ها و تفریحات محلی است. یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که بازی های محلی همه جا هست اما بازی های محلی هم به همراه تمام چیزهای محلی و سنتی که بوده، دارد رو به

فراموشی می‌رود. معلم ابتدایی در مقطع دبستان برای ایجاد فضای مفرح در کلاس از این بازی‌های بومی و محلی که مخصوص فرهنگ استان ما هستند استفاده بکند. همچنین معلم از طریق همین بازی‌های محلی می‌تواند الفبا و اعداد ریاضی را تا به بچه‌ها آموزش دهد.

شناخت غذاهای بومی و تأثیر آن در مزاج: غذا برای انسان یکی از نیازهای روزمره و مستمر زندگی است. تنوع قومیتی خاستگاه تولیدات مختلف خوراکی‌ها در تمام نقاط جغرافیایی کشور است. محققان توافق دارند خوردن غذاهای محلی به معنای به حداقل رساندن فاصله بین تولید و مصرف است. یکی از عواملی که الگوی غذایی هر جامعه را شکل می‌دهد، مجموعه عادات و فرهنگ غذایی آن جامعه است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله شناخت انواع غذاهای بومی است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که غذاهای هر فرهنگ طبیعتاً متغیر هست. شما غذای فرهنگ جنوب با فرهنگ غرب را در کرمان را مقایسه کنید، طبیعتاً با هم متفاوت است. یک مثال بزنم مثلاً راور به عنوان یکی از شهرهای کرمان است که لبنیات خوبی دارد. خوب طبیعتاً گردویی که در آن مناطق هست اما در جنوب به دلیل گرمسیری بودن منطقه، مرکبات و نخیلات هست. طبیعتاً روی رژیم غذایی آن منطقه هم تأثیر می‌گذارد.

شناخت صنایع دستی: صنایع دستی بخشی از سنت، فرهنگ و هویت اصیل ایرانی است. برای جوامع فعلی که مهمترین خواسته‌ی آنان به دست آوردن هویت و خودباوری است، معرفی دقیق صنایع دستی به عنوان پشتوانه فرهنگ و هویت جامعه بسیار حائز اهمیت است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله فرش، قالی و گلیم بافی است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که قالی بافی خیلی هنر زیبایی است. لکن در کمال تأسف نسل امروزی هیچ شناختی از این حرفه ندارند.

عوامل زمینه‌ای:

شرایط زمینه‌ای عوامل خاصی هستند که سازمان‌ها نمی‌توانند آن‌ها را کنترل کنند اما راهبردهای ما از آن بستر متأثر هستند و درواقع، این عوامل راهبردهای اتخاذ شده را تسهیل

می‌کنند. شرایط زمینه‌ای عناصر و متغیرهایی را در برمی‌گیرد که جنبه پشتیبان در دانش فرهنگی مورد نیاز معلمان ابتدایی را دارند. این شرایط گروهی از عناصر هستند که روی استراتژی‌ها و راهبردهای الگو مؤثر هستند. تمایز بین شرایط زمینه‌ای و شرایط علی از آن جهت است که شرایط علی مجموعه‌ای از متغیرهای فعال هستند درحالی‌که شرایط زمینه‌ای دسته‌ای از متغیرهای پیش‌نیاز و غیرفعال‌اند. اگر تمام شرایط علی برای دانش الگوی دانش فرهنگی معلمان وجود داشته باشد اما شرایط زمینه‌ای مهیا نباشد، دانش فرهنگی معلمان با مشکل مواجه هست. شرایط زمینه‌ای ۲ دسته بومی‌گزینی معلمان و الزامات قانونی را شامل می‌شود.

بومی‌گزینی معلمان: بر اساس اصلاحیه ماده ۴۴ قانون خدمات کشوری مورخ ۱۶ شهریور ۱۳۹۹ مجلس، انتخاب «شهرستان» به عنوان بومی تعریف شده است و برای افراد بومی دو معیار محل تولد یا سکونت برای حداقل ده مورد تعیین شده است و سالهای مستمر یا متناوب در شهر تعیین شده است. معلم بومی یک ویژگی خاص دارد و آن هم خاصیت ماندگاری است. هم اینکه معلم بومی معمولاً قصد این را دارد که تا مدت زیادی در آن بوم بماند، و از طرف دیگر شناخت کامل زمینی و محیطی نسبت به محل تدریسش دارد. از این جهت بهترین نیرویی که می‌تواند در یک بوم دانش‌آموزان آنجا را هدایت و راهنمایی کند خود آن مربی بومی منطقه است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله موفق‌تر بودن افراد بومی در تدریس به دلیل شناخت فرهنگ و بوم منطقه است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است معلم که بومی باشد کار خانواده‌ها راحت است، بچه‌هایشان با دوگانگی روبه‌رو نمی‌شوند. به دلیل اینکه دغدغه اینکه ارزش‌های منطقه از بین بروند با وجود معلم بومی کاهش می‌یابد.

الزامات قانونی: در اسناد بالادستی به خصوص سند تحول بنیادین به فرهنگ بومی توجه شده است. برای نمونه در راهکار ۵/۵ سند برنامه درسی ملی بیان شده است که حداقل ۱۰ و حداکثر ۲۰ درصد به برنامه آموزشی متناسب با بوم استان‌ها پرداخته شود اما وقتی کتاب

درسی به عنوان مرجع است، آن توجهات در واقع ناظر به کتاب درسی نیست بلکه ناظر به نحوه انتقال و ارائه محتواست و معلم توان بومی‌سازی محتوا را نمی‌تواند داشته باشد. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله اسناد بالادستی است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که اسناد بالا دستی به یک نحوی معلم را روی اره برگزیت نشانده‌اند. یعنی اصطلاحاً توی ادبیات فارسی می‌گوییم «به آهو می‌گوییم بدو، به تازی می‌گوییم بگير». موقعی که یک متن و محتوای سفت و خشکی را بدون توجه به بوم هر استانی تدریس و تبیین می‌کنیم و می‌فرستیم در دست معلم و به معلم می‌گوییم «نحوه تدریس این قضیه با شماست؛ میتونی بومی‌سازی کنی؟» و عملاً معلم هیچ درس‌پژوهی و اقدام‌پژوهی نمی‌تواند انجام دهد. پس بومی‌سازی محتوا، کاری است که اتفاق نمی‌افتد. شاید هم به این دلیل است که هنوز محتوای سند تحول بنیادین اجرایی‌سازی نشده و همان چیزی که فعلاً در جریان است مبتنی بر برنامه درسی ملی است. آن چیزی که در سند قابل رهگیری است، برنامه درسی یا محتوای درسی خشک و واحد نیست بلکه خود معلم توان تولید محتوا هم باید داشته باشد.

عوامل مداخله‌گر:

این شرایط، زمینه‌ای عام هستند که بر استراتژی‌ها مؤثرند. تأثیر این عوامل در دانش فرهنگی معلم به قدری است که توانایی محدود کردن میزان موفقیت معلم در اجرا و پیاده‌سازی دانش فرهنگی معلم بر سر کلاس درس را دارد. این عوامل به ترتیب به ۴ دسته مذهب، آداب و رسوم، برنامه درسی متمرکز و حجم زیاد محتوا، مدرنیزاسیون و فرهنگ بومی تقسیم شده است.

مذهب: مذهب در اصطلاح علم کلام اسلامی، طریقه‌ای خاص در فهم مسائل اعتقادی، خاصه امامت که منشأ اختلاف در آن توجیه مقدمات منطقی یا تفسیر ظاهر کتاب الهی است، مانند مذهب شیعه دوازده امامی، اشعری، معتزله و ماتریدی و در اصطلاح فقهی روش خاص در استنباط احکام کلی فرعی از ظاهر کتاب و سنت

ارائه الگوی دانش فرهنگی مبتنی بر بوم معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان: ابراهیم آبادی | ۳۳

مانند فقه مذهب شیعه، حنفی، مالکی، حنبلی و غیره است (مؤسسه لغتنامه دهخدا، لغتنامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۷). تحلیل مصاحبه ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله شناخت مذهب های مختلف استان و ایجاد هم زیستی مسالمت آمیز است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است اگر معلم این کانتکست اجتماعی مذهبی را به خوبی شناسد دچار مشکل می شود. همچنین اگر معلم مذهب آن دانش آموز را بفهمد (چون متناسب با آن مذهب، تمام داده های ذهنی آن دانش آموز رهگیری شده)، آن کسی که مسیحی است به یک نحو به جامعه نگاه می کند، آن کسی که اهل سنت است به یک نحو به جهان و در تفسیر موضوعات به جهان نگاه می کند. به عنوان مثال من معلم تاریخم. می خواهم جنگ اعراب را توضیح و تدریس کنم. اگر ندانم که فلان دانش آموزم اهل سنت است یا تشیع، نمی توانم نحوه تدریس را مطابق این انجام بدهم.

آداب و رسوم: هر کشوری در جهان برای زنده نگه داشتن آرمان ها و اهداف خود، آداب و رسومی را اجرا می کند که بیانگر افکار و عقاید هر ملتی است. مردم ایران نیز از این قاعده دور نیستند و از قدیم الایام آداب و رسوم پربار و فرهنگ قابل توجهی را از خود به یادگار گذاشته اند. آداب و رسوم شامل مدل های زندگی، عادات و آداب و رسوم خاص یک ملت، مردم یا یک جامعه است (حوزه نت، بی تا). تحلیل مصاحبه ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله آداب و رسوم است. در مصاحبه یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که بیشتر دانش آموزان بر حسب عادات و ارزش های محیطی بوم خودشان به سمت یادگیری می روند تا اینکه ما بخواهیم یک محتوایی را در زبان رسمی کشور و در قالب رسمی منتقل کنیم. همچنین یکی دیگر از افراد صاحب اطلاع معتقد است که معلم باید باورها و آداب و رسوم غلطی که در جامعه وجود دارد بشناسد و در صدد اصلاح آن برآید. همچنین آداب و رسوم خوبی که وجود را هم بشناسد و مشوق آنان باشد.

برنامه درسی متمرکز و حجم زیاد محتوا: نظام برنامه درسی در کشور ما خیلی کم محتوای محلی تهیه می کند. به نوعی برنامه درسی محلی ندارد. برنامه فوق برنامه که

ارزش‌های محلی گویش محلی، فرهنگ محلی، بازی‌های محلی، همه آن داشته‌های محلی را تقویت کند و آموزش دهد، ما کم داریم. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله برنامه درسی متمرکز و حجم زیاد محتوا است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که حتماً زیست بوم برنامه درسی باید مبتنی بر زیست بوم محلی تنظیم شود چه برنامه رسمی و چه برنامه درسی فوق برنامه یعنی زیست بوم را باید دید هم فرهنگ و هم کارکردش را. چه بسیار کارهایی که پتانسیل دارد و انجام نمی شود و به مرور زمان این ها از بین رفته و دارد می رود و هر روز کارهای زیادی در دنیا هستند که دارند می میرند به عنوان مثال بینید قنات‌هایی که در کرمان و یزد بوده تقریباً در فلات مرکزی ایران این قنات بعد از سال‌ها از بین رفته است.

مدرنیزاسیون و فرهنگ بومی: به اعتقاد حسنی (۱۳۹۸) در عصر مدرنیته عواملی مانند مدرنیزاسیون و جهانی شدن بر فرهنگ ملی و محلی تأثیر گذاشته و عناصر فرهنگی بسیاری از جوامع را از بین برده یا در حال نابودی کرده اند و بسیاری از گونه‌های فرهنگی و عناصر فرهنگی حذف شده اند. نسل‌های ما، در برابر فرهنگ غرب دچار خود باختگی فرهنگی می شوند و باید ظرفیت‌های فرهنگ بومی را به آنان شناساند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله مدرنیزاسیون و فرهنگ بومی است. در مصاحبه به یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که به خاطر مدرنیزاسیون و غرب گرایی که دارد اتفاق می افتد و به اصطلاح برنامه درسی پسااستعماری که دارد رقم می خورد. بخشی از هویت آن منطقه و بخشی از فرهنگ آن منطقه دارد به فراموشی سپرده می شود. همچنین یکی دیگر از افراد صاحب اطلاع معتقد است که معلم باید اینقدر اطلاعات داشته باشد که وقتی سر کلاس های تاریخ به ویژه صحبت از شکوه ایران و عزت نفس ما می شود بتواند ارگ قدیم را به خوبی معرفی کند. باید آن بناهای خشتی جهان که مهمترین بنای خشتی جهان می تواند باشد بشناسیم. معلم باید بداند که چرا توریست آلمانی و آمریکایی از آن سر دنیا می آید آن را ببیند و شما ممکن است چند سال یکبار نروید ببینید یا در کل عمر خود را هم ندیده باشد.

راهنماها:

راهنماها عمل‌ها یا عکس‌العمل‌های ویژه از پدیده محوری نتیجه‌گیری می‌شود. در این گام اقدامات هدف محوری پیشنهاد می‌گردد که برای جواب به پدیده اصلی طراحی شده است. ۳. مقوله‌ی توسعه دانش و مهارت معلمان در زمینه طراحی درسی بومی و اجرای آن، اختصاص دوره ضمن خدمت یا کلاس آموزشی مؤلفه‌های بومی محلی، مهارت معلمان در شناخت و استفاده از لهجه محل خدمت و استفاده از آن می‌باشد.

توسعه دانش و مهارت معلمان در زمینه طراحی درسی بومی و اجرای آن: به گفته کارشناسان، امروزه یکی از وظایف مهم آموزش و پرورش ایجاد فضایی است که دانش آموزان بتوانند نگرش ویژه‌ای نسبت به مدرسه، شغل و آینده خود و به طور کلی جامعه پیدا کنند. بدون شک نگرش دانش آموزان در مدرسه برای رشد عاطفی، روانی و اجتماعی آنها بسیار مؤثر است. بنابراین معلمان می‌توانند با استفاده از طراحی آموزشی مناسب، مهارت‌ها و نگرش‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، استقلال عمل و خودآموزی را در دانش آموزان پرورش دهند. یکی از توانایی‌هایی که نیاز است معلم کسب کند طراحی درسی بومی و اجرای آن در کلاس می‌باشد. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله استفاده از نمونه‌های بومی - محلی در تدریس است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که حالا وقتی معلم از یک خرده فرهنگ‌های غذایی و انواع مختلف آگاهی داشته باشد مهمترین اثری که دارد هنگام تدریس دانش آموز درگیر فرایند تدریس می‌شود و حوصله‌اش سر نمی‌رود. من باب مثال زمانی که برای دانش آموز جنوب کرمان از عرق کرشکو مثال بزنید، درگیر می‌شوند و گوش می‌دهند و جریان یادگیری اتفاق می‌افتد.

اختصاص دوره ضمن خدمت یا کلاس آموزشی مؤلفه‌های بومی محلی: آموزش ضمن خدمت فرهنگیان به نوعی آموزش است که در حین خدمت برگزار می‌شود و هدف

آن ارتقای سطح دانش و مهارت معلمان و مربیان است. جان اف می^۱ در تعریف آموزش ضمن خدمت گفته که آموزش ضمن خدمت عبارت است از بهبود سیستماتیک و مستمر کارکنان از نظر دانش، مهارت‌ها و رفتارهایی که به رفاه آنها و سازمانی که در آن کار می‌کنند کمک می‌کند. به این ترتیب هدف از آموزش ضمن خدمت می‌تواند ایجاد توانایی تولید بیشتر، افزایش کارایی در شغل فعلی و به دست آوردن شرایط بهتر برای رسیدن به موقعیت‌های بالاتر باشد (ابطحی، ۱۳۷۵). تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله اختصاص دوره ضمن خدمت یا کلاس آموزشی مؤلفه‌های بومی محلی است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که دوره ضمن خدمت آشنایی با لهجه و فرهنگ مردم منطقه محل خدمت معلم، بهترین حالت برای معلم‌های بومی است جهت آشنایی با فرهنگ منطقه. همچنین دانشگاه فرهنگیان نیز می‌تواند دوره‌هایی را جهت توانمندسازی معلمان تدارک ببیند.

مهارت معلمان در شناخت و استفاده از لهجه محل خدمت و استفاده از آن: در بحث انتقال دانش به عوامل محیطی و فرهنگ افراد باید توجه کنیم و زبان محیط را به کار ببریم. سعی بر این هست که بیشتر افراد را با عادت و ارزش‌های محیطی بوم خودشان به سمت یادگیری پیش روند تا اینکه ما بخواهیم یک محتوایی را در زبان رسمی کشور و در قالب رسمی بخواهیم به دانش‌آموزان انتقال دهیم، تحت تأثیر همین موضوع تحت درس ملی و بومی ارائه شده حتی در اکثر دروسی که تو حوزه ادبیات و حتی آمادگی دفاعی هست طرح درس آزاد را در اختیار معلم گذاشتند تا بتوانند این تأثیر محیطی را حفظ کنند و به نسل بعدی منتقل کنند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله شناخت تنوع لهجه‌ها در استان است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که اغلب استان‌های کشور ما این تنوع گویش یا لهجه را دارند. چون زبان تحت تأثیر اتفاقات سیاسی و تحت تأثیر پیامدهای اجتماعی است و عامل اتفاقات سیاسی و اجتماعی روی زبان هم تأثیر گذاشته مثلاً مهاجرت‌های اجباری و اعظم مهاجرت‌های اختیاری.

1. John F. May

همچنین استفاده از زبان و گویش‌های محلی اون منطقه در یادگیری اثر دارد. هر چقدر شما بتوانید مثال‌های کتاب و فعالیت‌ها را به زبان ساده به دانش آموز منتقل کنید یادگیری دانش آموز بهتر هست، این تأثیرش در یادگیری بیشتر است تا محتوای رسمی و دانش آموز هم نتواند ارتباط برقرار کند.

پیامدها:

پس از به کارگیری راهبردهای عملی، شاهد خروجی‌هایی هستیم که به آن‌ها عوامل فرهنگی یا پیامد گفته می‌شود، این پیامدها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در اثر استفاده از راهبردهای عملی ایجاد می‌شوند. بعد از بررسی به سه مقوله حفظ و توسعه فرهنگ بومی، هویت یابی فرهنگی تاریخی، اثربخشی فرایند یاددهی-یادگیری دست یافتیم.

حفظ و توسعه فرهنگ بومی: ایران یکی از کشورهایی است که دارای تنوع و تکثر قومی و فرهنگی و زبانی است. به طوری که در یک منطقه خاص قومیت‌ها و خرده فرهنگ‌های خاص وجود دارد. این تنوع و تکثر فرصت‌ها و ظرفیت‌های بی‌ظیری را به وجود آورده است. بر مسئولین امر لازم است که با شناسایی دقیق این تنوع فرهنگی و میراث گران بها و با اتخاذ تصمیم‌های سنجیده و عقلانی این توان فرهنگی را نمایان و حفظ کنند. یکی از مؤلفه‌های موفقیت معلم در رسالت آموزگاری کمک به حفظ و توسعه فرهنگ بومی منطقه است و انجام این رسالت نیازمند شناخت فرهنگ بومی منطقه، شناخت ارزش‌های فرهنگ بومی منطقه، آموزش دیدن فرهنگ بومی منطقه، ارزیابی فرهنگ بومی منطقه، شناخت کژتابی‌های فرهنگ بومی و تلاش برای اصلاح آن و... است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله شناخت لباس‌های بومی احترام به آن و تشویق آن است. در مصاحبه با یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که لباس‌های بومی که مردم در کرمان استفاده می‌کنند به فراموشی سپرده شده است. الان مثلاً لباس‌هایی که مردها قدیم در مناطق کوهستانی یا عشایر می‌پوشیدند خیلی کم استفاده می‌شود. در حال حاضر معلم‌های عشایری، از این ظرفیت استفاده می‌کنند اما این ظرفیت جوابگو نیست. اگر

بتوانیم استفاده از لباس محلی را احیا کنیم خیلی خوب است. من بعید میدانم در فضای امروزی آموزش پرورش این کار انجام شود. اگر بخواهد انجام شود یک همت عمومی می‌خواهد.

هویت‌یابی فرهنگی تاریخی: هویت شامل خصوصی‌ترین جنبه فردی تا عمومی‌ترین جنبه جمعی است. از هویت به معنای مختصات خصوصیات فرد و متمایز ساختن او از دیگران (اولسون، ۲۰۰۲) تا هویت به عنوان پدیده‌ای جمعی که تا زمانی که تفکر و رفتار به صورت جمعی اجرا نشود به دست نمی‌آید (خانیک، ۱۳۸۳: ۱۰). از هویت به عنوان احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی، احساس استقلال شخصی (یاکوبسن، ۱۹۹۳: ۹) تا تفاوت فردی یک فرد در رابطه با دیگران (برون، ۱۹۹۶: ۷۸) تا ماهیت افکار و تصورات جامعه از زندگی (سریع القلم، ۱۳۸۳: ۷۸) همه ابعاد مختلف این پدیده پیچیده چندوجهی است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله تقویت حس میهن‌دوستی و وطن‌پرستی در دانش‌آموزان است. یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که ما نباید بر طبل اختلافات مذهبی بکوبیم، چون باعث اختلاف می‌شود بلکه باید تأکید بر روی تقویت حس میهن‌دوستی، حس همراهی و همدلی و وحدت باشد. همچنین مردم کرمان خاکشان را دوست دارند و میهن‌پرست هستند و باید این مهم در نسل‌های جدید هم از طریق نظام تعلیم و تربیت رسمی حفظ بشود.

اثر بخشی فرایند یاددهی-یادگیری: از دیرباز نقش معلمان در فرآیند تدریس، یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مورد تأکید بوده است. اثربخشی معلمان در شکوفایی استعدادها و فراگیران به دانش و آگاهی آنان در زمینه تخصصی و مهارت‌های آموزشی بستگی دارد. فرآیند آموزش و یادگیری دارای پیچیدگی‌هایی است و رعایت نکات، فنون و روش‌های بسیاری را برای معلمان و فراگیران ضروری می‌سازد. برای کیفیت بخشیدن به این فرآیند، مطالعه مستمر معلم و آشنایی با ظرافت‌ها باعث می‌شود که او نیازهای آموزشی را به درستی بشناسد و در رفع نواقص این زمینه اهتمام ورزد (فرخ‌مهر، حسین، ۱۳۸۸،

مهارت‌های آموزشی-یادگیری مؤثر، تهران، انتشارات عابد). تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مؤلفه‌ی شاخص این مقوله یادگیری اثربخش است. در مصاحبه یکی از افراد صاحب اطلاع معتقد است که اگر ما بتوانیم به سمت مناطق بومی خودمان ببریم دانش آموز بتواند در آن کوچه خودشان مثلاً پلاک شهید را می‌بیند پیش خودش می‌گوید این قهرمان من است، این الگوی من است، من هم می‌توانم مثل این باشم، یادگیری اثر بخش تر خواهد بود.

پیشنهادهای

در پایان، پیشنهادهای کاربردی و تحقیقاتی به منظور کاربست و توسعه الگو ارائه شده در این تحقیق در ذیل مطرح شده می‌گردد.

۱. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در طراحی بسته‌های تربیت و یادگیری که قرار است از سال ۱۴۰۳ اجرایی شود، برای استان کرمان یک بسته با توجه به مؤلفه‌های دانش فرهنگی معلم در استان کرمان طراحی کند؛

۲. آموزش و پرورش، دانش و مهارت معلمان در زمینه طراحی درسی بومی و اجرای آن بر اساس مؤلفه‌های دانش فرهنگی معلم را توسعه بدهد؛

۳. مقوله‌های بومی مانند شناخت ادبیات بومی، شناخت جامعه محلی، شناخت تاریخ و جغرافیای محلی، شناخت شیوه‌های کسب و کار محلی، شناخت هنرهای بومی، شناخت بازی‌ها و سرگرمی‌های محلی، شناخت غذاهای بومی و تأثیر آن در مزاج و یادگیری و شناخت صنایع دستی، در قالب دوره آموزشی فشرده یا دوره‌های ضمن خدمت کوتاه مدت با عنوان دانش‌های بومی معلمان استان کرمان در نظر گرفته شود؛

۴. در برنامه‌های درسی مدارس مانند ادبیات فارسی و همچنین در درس دیگر، آموزش برخی درس با استفاده از لهجه محلی طراحی شود؛

۵. در گزینش و استخدام معلمان به سیاست بومی‌گزینی توجه لازم صورت پذیرد؛

۶. برای توسعه و بومی‌سازی مدل‌های دانش ضروری معلمان، سایر محققان این پژوهش را در زمینه‌های فرهنگی دیگر انجام دهند تا پشته‌های علمی لازم و ضروری ایجاد شود؛

۴۰ | فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه‌ریزی درسی | سال پنجم | شماره ۱۶ | پاییز ۱۴۰۳

۷. برگزاری کنفرانس‌ها، سخنرانی‌ها و جلسات در زمینه نشر دانش فرهنگی در آموزش و پرورش؛

۸. به رسمیت شناختن دانش فرهنگی به عنوان بخشی از دارایی اصلی آموزش و پرورش؛

۹. دانش فرهنگی به شکل مستنداتی مانند دفترچه‌های اداری، استانداردهای سازمانی، درس‌های آموخته شده و ... ثبت گردد.



منابع

ابراهیمی، زینب، مهرمحمدی، محمود، صادقی، علیرضا، نوروزی، امید، ۱۳۹۸، تبیین مفهوم کارآمدی فرهنگی معلمان در مواجهه با بسترهای دارای تنوع فرهنگی، مجله علمی پژوهشی پژوهشهای برنامه‌ی درسی، انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، دوره‌ی نهم،

شماره‌ی دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صفحه‌های ۲۲۵-۲۵۴

ابراهیمی، زینب، مهرمحمدی، محمود، صادقی، علیرضا، نوروزی، امید، ۱۳۹۹، طراحی الگوی کارآمدی فرهنگی معلمان دوره ابتدایی مبتنی بر پداگوژی برخوردار از ربط فرهنگی،

فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۴۷، سال سی و هفتم، پاییز ۱۴۰۰

افضلی، سعیده، صادقی، علیرضا، موسی‌پور، نعمت‌الله، قادری، مصطفی، ۱۴۰۰، ارزیابی ابعاد سواد چندفرهنگی دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان، مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، دوره

۱۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۴۴۸-۴۲۷

حمیدی زاده، کتابون، فتحی واجارگاه، کوروش، عارفی، محبوبه، مهران، گلنار، ۱۳۹۶، آموزش چند فرهنگی: تحلیل نظامند ادراک معلمان، فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی، سال

پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶

دهقانی فیروزآبادی، حمیدرضا، عبداللهی، وحید، اعلم‌الهدی، محمود، ۱۳۹۴، فقر و تنوع فرهنگی در حقوق بشر، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، میبد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.

زاهد زاهدانی، سید سعید، شاه ولی، ریحانه، ۱۳۹۸، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ماه‌نامه علمی، سال نوزدهم، شماره

دهم، ۷۳-۹۲

۴۲ | فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه‌ریزی درسی | سال پنجم | شماره ۱۶ | پاییز ۱۴۰۳

سبحانی نژاد، مهدی، احدآبادی آرانی، نجمه، عبدالله یار، علی، ۱۳۹۶، بهبود چند فرهنگی سازی برنامه‌های درسی نظام آموزشی ایران با نظر به آرای تربیتی فوکو و ژيرو، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۶۲، سال شانزدهم، تابستان ۱۳۹۶

صادقی، علیرضا، ۱۳۹۶، ویژگی‌ها و ضرورت‌های تدوین برنامه درسی چند فرهنگی در ایران: بررسی چالش‌ها و ارائه راهبردها، راهبرد فرهنگ. شماره هفدهم و هجدهم.

عباسی، عفت، قادری، مصطفی، حسینی خواه، علی، شاکری، لقمان، ۱۳۹۹، ارائه الگوی دانش فرهنگی مبتنی بر بوم دانشجو - معلمان دانشگاه فرهنگیان کردستان؛ یک مطالعه کیفی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۷، شماره ۲، ۱۴۰۰

قادری، مصطفی، ۱۳۹۲، برنامه درسی و فرهنگ: رویارویی‌ها و هم‌آوایی‌ها، تهران، آوای نور.

مرادی، علیرضا، ۱۳۹۶، جامعه‌شناسی برنامه‌های درسی پنهان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران،

۳۱-۶۴

منصوری، سیروس، کریمی، محمدحسن، کوثری، مجید، عابدینی بلترک، میمنت، ۱۳۹۷، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال پانزدهم، دوره دوم، شماره ۳۲، صفحات ۶۲-۷۴

هاشمی، عباس، شریفی، اصغر، محمدنقی، ایمان، ۱۳۹۹، ارایه مدل پرورش هویت چند فرهنگی دانش‌آموزان ابتدایی بر اساس نظریه داده‌بنیاد، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه آموزش جندی‌شاپور، سال یازدهم، شماره ۲، تابستان ۹۹

هواس بیگی، فاطمه، صادقی، علیرضا، ۱۳۹۷، مفهوم پردازش فرایند آموزش چند فرهنگی از منظر معلمان اقوام ایرانی: نظریه داده‌بنیاد، پژوهش‌های برنامه‌ی درسی، مجله‌ی علمی پژوهشی، انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، دوره‌ی نهم، شماره اول، پیاپی ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صفحه‌های ۱۸۸-۲۲۳

هواس بیگی، فاطمه، صادقی، علیرضا، ملکی، حسن، قادری، مصطفی، ۱۳۹۶، واکاوی مقوله‌های آموزش چند فرهنگی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره آموزش ابتدایی ایران،

ارائه الگوی دانش فرهنگی مبتنی بر بوم معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان؛ ابراهیم آبادی | ۴۳

مطالعات جامعه شناختی (علمی پژوهشی)، دوره ۲۵، شماره ۲، صفحه های ۴۲۹-۳۸۳،
شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰، نمایه در ISC

وفایی، رضا، سبحانی نژاد، مهدی، ۱۳۹۴، مؤلفه های آموزش چند فرهنگی و تحلیل آن در
محتوای کتب درسی، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال سوم، شماره ۵، بهار
و تابستان ۱۳۹۴، صفحه های ۱۱۱-۱۳۲

عباسی، عفت؛ قادری، مصطفی، حسینی خواه، علی، شاکری، لقمان، ۱۴۰۰، ارائه الگوی دانش
فرهنگ مبتنی بر بوم دانشجو - معلمان دانشگاه فرهنگیان کردستان؛ یک مطالعه کیفی،
فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی - تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۱۰۰

عباس هاشمی، تیناب، شریفی، اصغر، ایمانی، محمدنقی، ۱۳۹۸، طراحی الگو برای پرورش هویت
چندفرهنگی دانش آموزان ابتدایی شهر تهران بر اساس رویکرد نظریه پردازی داده بنیاد،
فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی - زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۵۰

نرسیسیانس، امیلیا، میراحمدی پور، ساجده، شهریار راد، پویا، ۱۳۹۵، بررسی تطبیقی فرهنگ
شمال و جنوب استان کرمان: مطالعه موردی فرهنگ زبانی، نشریه پژوهش های انسان
شناسی/ایران - بهار و تابستان ۱۳۹۵، دوره ششم - شماره ۱

ابراهیمی، زینب، مهر محمدی، محمود، صادقی، علیرضا، نوروزی، امید، ۱۴۰۰، طراحی الگوی
کارآمدی فرهنگی معلمان دوره ابتدایی مبتنی بر پداگوژی برخوردار از ربط
فرهنگی، نشریه تعلیم و تربیت - پاییز ۱۴۰۰ - شماره ۱۴۷

References

- Achaeva, M., Daurova, A., Pospelova, N., & Borysov, V. (2018). Intercultural education in the system of training future teachers. *Journal of Social Studies Education Research*, 9(3), 261-281.
- Beckett, K. (2018). John Dewey's conception of education: Finding common ground with RS Peters and Paulo Freire. *Educational Philosophy and Theory*, 50(4), 380-389.
- Civitillo, S., Juang, L. P., & Schachner, M. K. (2018). Challenging beliefs about cultural diversity in education: A synthesis and critical review of trainings with pre-service teachers. *Educational Research Review*, 24, 67-83.

- Furuto, L. (2018). Knowledge and action for change through culture, community and curriculum. In *Invited Lectures from the 13th International Congress on Mathematical Education* (pp. 103-114). Springer, Cham.
- GV. Stimson, C. Fitch & T. Rhodes, The rapid Assessment and reponse Guide on Injecting Drug Use, Geneva, 1998
- Ladson-Billings, G. (2014a). Culturally relevant pedagogy 2.0: a.k.a. the remix. *Harvard Educational Review*, 84(1), 74-84.
- Mensah, F. M. (2022). "Now, I see": Multicultural science curriculum as transformation and social action. *The Urban Review*, 54(1), 155-181.
- Ovens, A., & Lynch, S. (2019). Democratic teacher education practices. Springer.
- Retnawati, H., Djidu, H., Kartianom, A., & Anazifa, R. D. (2018). Teachers' knowledge about higher-order thinking skills and its learning strategy. *Problems of Education in the 21st Century*, 76(2), 215.
- Robinson, H. M. (2019). Dynamics of culture and curriculum design: preparing culturally responsive teacher candidates. In *Early childhood development: Concepts, methodologies, tools, and applications* (pp. 343-365). IGI Global.
- Soysal, Y., & Radmard, S. (2018). Social negotiations of meanings and changes in the beliefs of prospective teachers: A vygotskian perspective. *Educational Studies*, 44(1), 57-80.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: ابراهیم آبادی، محمدجواد. (۱۴۰۳). ارائه الگوی دانش فرهنگی مبتنی بر بوم معلمان مقطع ابتدایی استان کرمان، فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه‌ریزی درسی، ۵(۱۶)، ۴۴-۱.
DOI: 10.22054/qric.2023.72628.362



Qualitative Research in Curriculum is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.